

گذار از بنگاهداری بانکی به حمایت مؤثر از تولید؛ آسیب‌شناسی و راهکارها در نظام بانکی ایران



سید عبدالله رضوی^{۱*}، نسرین هاشمی‌زاده^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد و مدیریت انرژی، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران
۲. کارشناسی ارشد علوم اقتصادی-بانکداری اسلامی، دانشکده حسابداری مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Srazavi@put.ac.ir

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



چکیده

در نظام بانکی ایران، تمرکز بنگاه‌ها به جای تأمین مالی پایدار بخش‌های تولیدی، به سمت فعالیت‌های زودبازده مانند خدمات و بازرگانی تغییر کرده است. این انحراف، ناشی از ضعف قانونی و اولویت‌گذاری نامناسب در تخصیص تسهیلات، حمایت از بخش‌های مولد مانند صنعت، معدن و کشاورزی را کاهش داده و به مشکلات ساختاری در سیستم بانکی افزوده است. طبق ماده ۸ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها مجاز به سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌های تولیدی و عمرانی هستند، اما این امر عملاً بانک‌ها را به سمت بنگاهداری و انباشت دارایی‌های غیرمولد سوق داده است. در شرایط کنونی، حدود ۸۷ درصد تأمین مالی کشور بر عهده شبکه بانکی است که این تمرکز بالا فشار زیادی بر بانک‌ها وارد کرده و موجب انباشت مطالبات غیرجاری و زیان انباشته در برخی از آن‌ها شده است. از سوی دیگر، طبق ماده ۱۴۱ قانون تجارت، در صورت رسیدن زیان انباشته به ۵۰ درصد سرمایه پایه، هیات مدیره موظف به افزایش سرمایه یا اعلام ورشکستگی است. با این حال، نبود سازوکار مشخص برای ورشکستگی بانک‌ها موجب اعمال قوانین عام شرکت‌ها بر آن‌ها شده است. پرسش اساسی این مطالعه این بوده است که "چه عواملی در نظام مالی و ساختار بانک‌ها مانع از تأمین مالی مؤثر بخش مولد می‌شوند و چگونه می‌توان با اصلاحات ساختاری و نظارتی، منابع بانکی را به سمت بخش‌های تولیدی هدایت کرد؟" در این راستا، با تحلیل داده‌های مالی و اقتصادی بانک‌ها، به آسیب‌شناسی دلایل کاهش نقش بانک‌ها در تأمین مالی بخش‌های مولد و علل گرایش آن‌ها به حوزه‌های نامولد پرداخته‌ایم. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تصویب برنامه‌های سرمایه‌گذاری در لایحه بودجه سالانه توسط مجلس، می‌تواند به تخصیص منابع مالی به سمت پروژه‌های تولیدی و عمرانی کمک کرده و از انحراف بنگاه‌ها به سمت فعالیت‌های زودبازده جلوگیری کند. همچنین ایجاد ساز و کارهای مشخص برای ورشکستگی بانک‌ها و اصلاح قوانین مربوط به فعالیت‌های بانکی می‌تواند به کاهش فشار بر بانک‌ها و بهبود وضعیت مالی آن‌ها کمک کند. در نهایت، تقویت نظارت بر هدایت اعتبار اصولی به بهبود ساختار نظام بانکی و افزایش پایداری مالی منجر می‌شود.

کلیدواژه‌گان: بنگاهداری بانکی، حمایت از تولید، نظام بانکی.

شیوه استناددهی: رضوی، سید عبدالله، و هاشمی‌زاده، نسرین. (۱۴۰۴). گذار از بنگاهداری بانکی به حمایت مؤثر از تولید؛ آسیب‌شناسی و راهکارها در نظام بانکی ایران. *اقتصاد و سیاست‌گذاری مالی*، ۲(۱)، ۷۸-۹۲.

Transition from Banking Enterprise to Effective Support for Production: Pathologies and Solutions in the Iranian Banking System

Abstract

In the Iranian banking system, the focus of banks, instead of providing sustainable financing for productive sectors, has shifted toward quick-return activities such as services and commerce. This deviation, resulting from legal weaknesses and inappropriate prioritization in the allocation of credit facilities, has reduced support for productive sectors such as industry, mining, and agriculture, thereby adding to the structural problems of the banking system. According to Article 8 of the Law on Usury-Free Banking Operations, banks are permitted to invest directly in productive and developmental projects; however, this has practically pushed banks toward enterprise ownership and the accumulation of unproductive assets. At present, approximately 87 percent of the country's financing burden rests on the banking network. This high concentration has exerted significant pressure on banks, leading to the accumulation of non-performing loans and retained losses in some of them. Furthermore, under Article 141 of the Commercial Code, when accumulated losses reach 50 percent of base capital, the board of directors is obligated to either increase capital or declare bankruptcy. Nevertheless, the absence of a specific mechanism for bank bankruptcy has resulted in the application of general corporate laws to them. The fundamental question of this study has been: What factors within the financial system and the structure of banks prevent effective financing of the productive sector, and how can structural and regulatory reforms guide banking resources toward productive sectors? In this regard, through the analysis of financial and economic data of banks, the study pathologically examines the reasons for the declining role of banks in financing productive sectors and their inclination toward non-productive domains. The findings of this study indicate that the approval of investment programs in the annual budget bill by the Parliament can contribute to the allocation of financial resources toward productive and developmental projects and prevent the diversion of banks toward quick-return activities. Moreover, the establishment of specific mechanisms for bank bankruptcy and the reform of laws related to banking activities can reduce the pressure on banks and improve their financial condition. Ultimately, strengthening oversight in guiding credit allocation properly leads to the improvement of the structure of the banking system and the enhancement of financial sustainability.



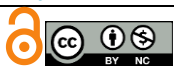
Seyed Abdollah Razavi^{1*}, Nasrin Hashemizadeh²

1. Associate Professor, Department of Energy Economics and Management, Petroleum University of Technology, Tehran, Iran
2. M.Sc. in Economic Sciences – Islamic Banking, Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email:
Srazavi@put.ac.ir

How to cite: Razavi, S. A., & Hashemizadeh, N. (2025). Transition from Banking Enterprise to Effective Support for Production: Pathologies and Solutions in the Iranian Banking System. *Economics and Financial Policymaking*, 2(1), 78-92.

Keywords: *banking enterprise, support for production, banking system.*



بانک‌ها در نگاه خرد به مثابه یک بنگاه هستند که باید به انضباط مالی، سود و صرفه خود توجه کنند و از نظر کلان، یک نهاد اجتماعی هستند که باید تسهیل‌کننده و بازوی پیشرفت و ثبات جامعه باشند، اگر بانک تنها به عنوان یک بنگاه اقتصادی در اقتصاد ظاهر شود و صرفاً به سود و صرفه خود پردازد چه بسا نتواند به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند و حتی ممکن است مانع آن شود و اگر صرفاً به عنوان تسهیل‌کننده پیشرفت و توسعه و جنبه‌های عمومی و اجتماعی توجه کند و از انضباط و صرفه و زیان خود غافل شود چه بسا موجب بسط سوءاستفاده و فساد در جامعه شده و دچار ورشکستگی خود گردد، لذا بانک‌ها می‌توانند در اقتصاد نقش متفاوتی بازی کنند. ممکن است طوری عمل کنند که اقتصاد را به ورطه بی‌ثباتی و رکود برسانند و ممکن است به جهش اقتصادی کمک کرده و بازوی توسعه کشور باشند (ماهیکار و همکاران-۱۴۰۲). ناترازی بانکی یکی از مهمترین معضلات و شاید هم مهمترین معضل اقتصاد کلان کشور است. از نظر بسیاری از اقتصاددانان آن چیزی که موتور توسعه یک کشور را فراهم می‌کند داشتن نظام مالی مناسب است. بنابراین، زمانی که سیستم مالی کشوری در بحران باشد، احتمال رشد و توسعه اقتصادی در آن کشور ضعیف است. علت حسابداری بروز ناترازی ترازنامه‌ای در صورت‌های مالی بانک‌ها، رشد بیشتر بدهی بانک‌ها نسبت به دارایی است. به طور کلی چنانچه منابع تقاضا برای نقدینگی با عرضه نقدینگی در یک بانک تطابق نداشته باشد بانک‌ها دچار معضل ناترازی خواهند شد. انباشت دارایی‌های موهوم و بروز ناترازی در ترازنامه نظام بانکی، جریان ناسالمی از خلق نقدینگی را شکل می‌دهد که نه تنها برای نظام بانکی مخاطره‌آمیز است، بلکه عامل کلیدی چسبندگی نرخ سود بانکی به رغم کاهش نرخ تورم و اثرات منفی آن در اقتصاد کلان است.

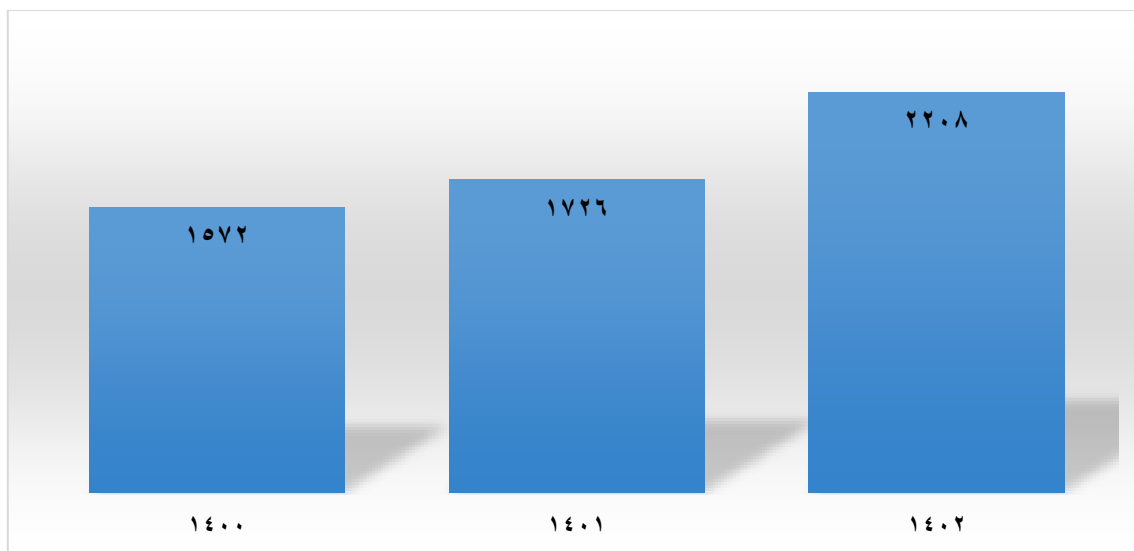
به‌طور کلی، بخش پولی اقتصاد باید حامی و تابع مقتضیات رشد و پویایی بخش حقیقی باشد نه اینکه بی‌توجه به نیازهای حقیقی به‌مثابه یک بنگاه انحصاری و خودسر برای کسب سود بیشتر برای خود یا برای تأمین مطامع گروه ذی‌نفع جریان پولی کشور را به سمت فعالیت‌های سوداگرانه بی‌ثبات و نامولد سوق دهد (چنارانی و همکاران-۱۴۰۲). اساساً اگر اقتصاد خوب عمل کند و فضای مناسبی بر آن حاکم باشد جمع بین منافع منطقی بانک‌ها و منافع تولیدکنندگان امری کاملاً امکان‌پذیر است. اما اگر نظام بانکی از جایگاه و کارکرد اصلی خود فاصله بگیرد تضاد منافع بانک‌ها و تولیدکنندگان تشدید شده و موجب بروز مشکلات جدی در اقتصاد و ناترازی در بانک‌ها می‌شود. در جدول شماره ۱، روند تغییرات سهم بخش‌های مختلف اقتصاد از کل تسهیلات اعطایی نشان داده شده است. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود بانک‌های کشور بخش صنعت، معدن و کشاورزی را که محصولات کالایی تأمین می‌کنند به اندازه بخش‌های دیگر همراهی و حمایت نکرده‌اند. در حالی که سهم بخش غیر کالایی (خدمات و بازرگانی) از تسهیلات اعطایی نسبت به سایر بخش‌ها بسیار بالا بوده است.

جدول ۱. تسهیلات پرداختی کل بانک‌ها به تفکیک بخش‌های اقتصادی (هزار میلیارد ریال - درصد)

بخش‌های اقتصادی	۱۴۰۰		۱۴۰۱		۱۴۰۲		۱۴۰۳ (۶ ماهه)	
	مقدار	سهم	مقدار	سهم	مقدار	سهم	مقدار	سهم
کشاورزی	۱۹۸۹	۶.۷	۲۷۹۶	۷.۴	۳۰۶۴	۶.۶	۱۲۰۱	۵
صنعت و معدن	۸۹۷۹	۳۰.۲	۱۳۹۲۴	۳۷	۱۶۷۴۳	۳۶.۳	۹۲۰۰	۳۸.۱
مسکن و ساختمان	۱۸۳۴	۶.۱	۲۵۵۹	۶.۸	۲۶۰۳	۵.۶	۱۲۸۰	۵.۳
بازرگانی و خدمات	۱۶۸۶۶	۵۶.۷۶	۱۸۳۳۳	۴۸.۷	۲۳۶۹۷	۵۱.۴	۱۲۳۹۵	۵۱.۴
متفرقه	۱۱	۰.۰۳	۱۰	۰	۱۲	۰	۴۱	۰.۲

مأخذ: بانک مرکزی

بررسی سهم تسهیلات بخشی نیز بیانگر این است، عمده تسهیلات اعطایی در صنعت بانکی کشور به بخش‌های زودبازده و پرسود اختصاص یافته است. به‌طوری که سهم تسهیلات اعطایی به بخش خدمات و بازرگانی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی بوده است. در این میان بخش مسکن و ساختمان‌سازی از ۶.۱ درصد به ۵.۶ درصد کاهش یافته است.



نمودار ۱. روند مجموع سایر دارایی‌های ۱۹ بانک مورد بررسی (هزار میلیارد ریال)

مأخذ: کدال

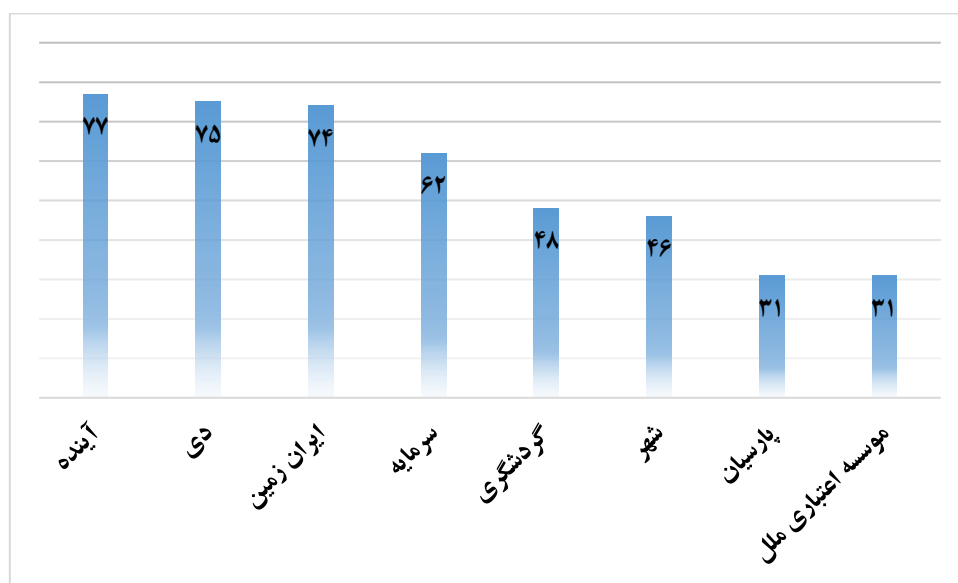
باتوجه به نمودار (۱)، با وجود اینکه بانک‌ها از ارائه تسهیلات به بخش مسکن کوتاهی کرده‌اند اما خود این بانک‌ها حضور گسترده‌ای در بازار ساختمان و مستغلات داشته‌اند، مقدار سایر دارایی‌ها که همان مستغلات می‌باشد در ۱۹ بانک (شهر، آینده، ملی، پارسیان، تجارت، توسعه صادرات، خاورمیانه، رفاه، سرمایه، صادرات، کارآفرین، گردشگری، ایران‌زمین، دی، کشاورزی، مسکن، ملت، ملل و اقتصاد نوین) مورد بررسی قرار گرفته است و نشان می‌دهد مورد ذکر شده به طور مدام از سال ۱۴۰۰ با شیب تند در حال افزایش است. در قانون عملیات بانکی بدون ربا (ماده ۸)، به بانک‌ها این اختیار قانونی را می‌دهد که مستقیماً در پروژه‌های تولیدی و عمرانی سرمایه‌گذاری کنند. این ماده به منظور تقویت نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی و توسعه تولیدی طراحی شده است. با این حال، اجرای این قانون در عمل و در طی چهار دهه گذشته، نشان از پیامدهای نامطلوبی دارد؛ این نیز در بخش انباشت دارایی‌ها و بنگاهداری بانک‌ها مشهود است. بانک‌ها با استفاده از این اختیار قانونی، به جای تمرکز بر تامین مالی بخش تولید و حمایت از کسب و کارها و صنایع مولد به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد و حتی املاک و مستغلات حرکت کرده‌اند. این رفتار به انجماد دارایی‌ها منجر شده است، به طوری که سایر دارایی‌ها در بسیاری از بانک‌ها با سرعت فزاینده‌ای رشد کرده‌اند. این مسئله به انباشت دارایی‌های غیرمولد منجر شده و در نهایت باعث کاهش نقدینگی در بخش تولید و افزایش فشار بر سیستم اقتصادی شده است. از سوی دیگر، ضعف نهادی و نظارتی در این زمینه سبب شده بانک‌ها به واسطه قدرت و اختیار قانونی خود، از مسیر تامین مالی مستقیم تولید فاصله بگیرند و به فعالیت‌های غیرمولد نظیر بنگاهداری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که بازدهی کوتاه‌مدت و سودآوری سریع دارند، روی بیاورند. این اقدامات به خلق پول غیرمولد و جذب سپرده‌های عمومی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی شده که عموماً تأثیر چندانی بر رشد اقتصادی واقعی ندارند. این روند، در عین حال که به انجماد دارایی‌ها منجر می‌شود، نشان‌دهنده تمرکز بانک‌ها بر سودآوری فوری به جای حمایت از تولید و اشتغال‌زایی پایدار است. عوامل مختلفی وجود دارند که موجب می‌شوند بانک‌های کشور ما ناتراز به نظر برسند. برای تحلیل دقیق‌تر این وضعیت، در ادامه بحران سیستماتیک بانک‌ها را از منظر شاخص‌های مختلفی مانند نرخ کفایت سرمایه، تسهیلات غیرجاری و زیان انباشته بررسی خواهیم کرد تا دلایل اصلی ناترازی بانک‌ها به طور کامل روشن شود.

ناترازی بانکی سیستماتیک در ایران، موضوعی است که طی سال‌های اخیر به تدریج مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. علائم مختلفی نظیر زیان‌های شناسایی شده برای بانک‌ها، نسبت بالای مطالبات غیرجاری به سرمایه شبکه بانکی و نرخ کفایت سرمایه پایین طی چند سال اخیر، نشانه‌هایی از وجود ناترازی در نظام بانکی ایران است. در چنین شرایطی اگرچه بانک‌ها به ظاهر سرپا بوده و طرف دارایی ترازنامه خود را به صورتی با ساختن دارایی‌های موهومی مناسب نشان می‌دهند، اما در واقع به سبب از بین رفتن حجم وسیعی از دارایی، به مرحله اعسار رسیده‌اند. تداوم این بحران و عدم برخورد عاقلانه و مدبرانه با آن، گرچه ممکن است بانک‌ها را تا مدتی حتی طولانی فعال نگاه دارد، اما مخاطرات و پیامدهای جنبی منفی و مخربی بر اقتصاد به جا می‌گذارد. از جمله این پیامدها، تشدید نابرابری، کاهش توان وام‌دهی بانک‌ها، افزایش نرخ بهره و افزایش خطر جهش تورمی است.

شاخص‌ها و آمارهای متعددی را می‌توان به عنوان علائم ناترازی سیستماتیک در نظام بانکی ایران ذکر کرد که برخی مربوط به دوره‌های آغازین فرایند ناترازی و برخی دیگر از علائم سرایت و فراگیر شدن آن هستند.

انجماد دارایی‌ها

دارایی‌های منجمد و غیرمولد شبکه بانکی را، آن دسته از دارایی‌ها اطلاق کنیم که قابلیت درآمدزایی یا به طور دقیق‌تر درآمدزایی در چرخه فعالیت‌های اصلی بانک را نداشته باشد. یکی از اهداف کمی اصلاح نظام بانکی در لایحه برنامه هفتم توسعه، کاهش ناترازی بانک‌ها به میزان ۲۰ درصد است. بر اساس مفاد همین لایحه، بانک مرکزی موظف به ارزیابی کیفیت دارایی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی به هزینه خود بانک و موسسه مربوطه به عنوان پیش‌نیاز طبقه‌بندی بانک‌ها به سه طبقه سالم، قابل احیا و غیرقابل احیا خواهد بود. با بررسی ۱۹ بانک، ۸ بانک به ترتیب جزو بانک‌هایی هستند که باید در اسرع وقت احیا شوند.



نمودار ۲: سهم دارایی‌های راکد و یخزده از کل دارایی‌های تعدیل شده هر بانک (درصد)

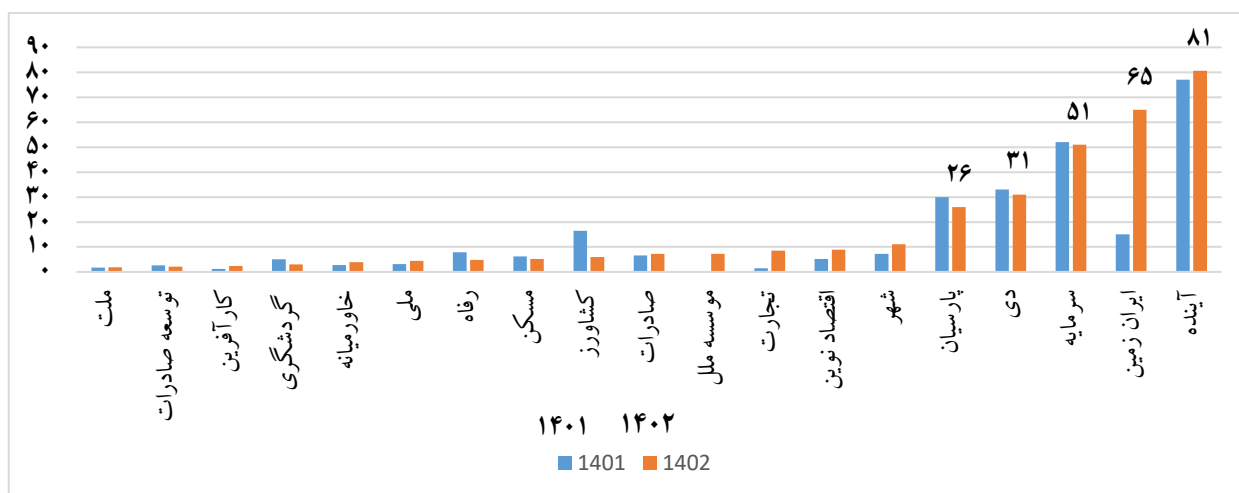
مأخذ: کدال

همان‌گونه که نمودار «۲» نشان می‌دهد، انجماد دارایی‌ها در بانک‌های آینده، دی، ایران زمین و سرمایه بسیار بالا است و به ترتیب در بانک‌های مزبور حداقل ۷۷ درصد، ۷۵ درصد، ۷۴ درصد و ۶۲ درصد از دارایی‌های تعدیل شده (کل دارایی‌ها به جز سپرده قانونی و دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود) یخزده و راکد هستند. علاوه بر آن، بخش عمده دارایی‌های تعدیل شده در بانک‌های گردشگری، شهر، پاریسیان و موسسه اعتباری

ملل دچار انجماد شدیدی شده‌اند و به ترتیب در بانک‌ها و موسسه اعتباری غیربانکی مذکور، حداقل ۴۸ درصد، ۴۶ درصد، ۳۴ درصد و ۳۱ درصد دارایی‌های مزبور، منجمد و راکد هستند.

نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات پرداختی (NPL)

نسبت مطالبات غیرجاری بانک‌ها اهمیت زیادی در میان شاخص‌های کارکرد درست تأمین مالی در یک اقتصاد دارد، زیرا بر کیفیت دارایی، ریسک اعتباری و کارایی تخصیص منابع به بخش‌های تولیدی تأثیر می‌گذارد به‌گونه‌ای که افزایش در مطالبات غیرجاری تأثیر مستقیمی بر کاهش نرخ رشد وام‌دهی بانک‌ها، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت دارد البته اثرات بلندمدت آن به‌مراتب شدیدتر است؛ زیرا افزایش مطالبات غیرجاری قدرت وام‌دهی بانک‌ها را کاهش می‌دهد. بر مبنای تقسیم‌بندی بانک مرکزی مطالبات غیرجاری نظام بانکی کشور به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که شامل مطالبات سررسید گذشته، مطالبات معوق و مطالبات مشکوک‌الوصول است. بر اساس این طبقه‌بندی به مطالباتی که تا ۶ ماه از سررسید آن‌ها گذشته باشد، مطالبات سررسید گذشته، به مطالباتی که ۶ تا ۱۸ ماه از سررسید آن‌ها گذشته باشد، مطالبات معوق و به مطالباتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید آن گذشته باشد، مطالبات مشکوک‌الوصول می‌گویند. هرچه این رقم پایین‌تر باشد، نشان می‌دهد که مطالبات معوق آن بانک کمتر است و هرچه بیشتر باشد نشان از زیاد بودن مطالبات معوق دارد. به طور طبیعی، اگر این رقم به صفر برسد، ایده‌آل‌ترین حالت ممکن شکل گرفته است. در دنیا، استاندارد مطالبات معوق کمتر از ۵ درصد است. در این بین بدترین نوع مطالبات، مطالبات مشکوک‌الوصول هستند که امکان برگشت این مطالبات خیلی پایین است. آمارهای استخراج شده از سایت کدال بیانگر این موضوع است که بانک بانک آینده با ۸۰ درصد مطالبات غیرجاری در مقایسه با سایر بانک‌ها بیشترین مطالبات غیرجاری را دارد. بعد از بانک آینده، بانک‌های ایران زمین و سرمایه نیز اوضاع اسفباری در این حوزه دارند، به طوری که بانک ایران زمین نزدیک به ۶۵ درصد تسهیلات پرداختی آن مطالبات غیرجاری هستند و بانک پارسیان نیز ۵۱ درصد تسهیلات پرداختی آن را مطالبات غیرجاری تشکیل می‌دهند.

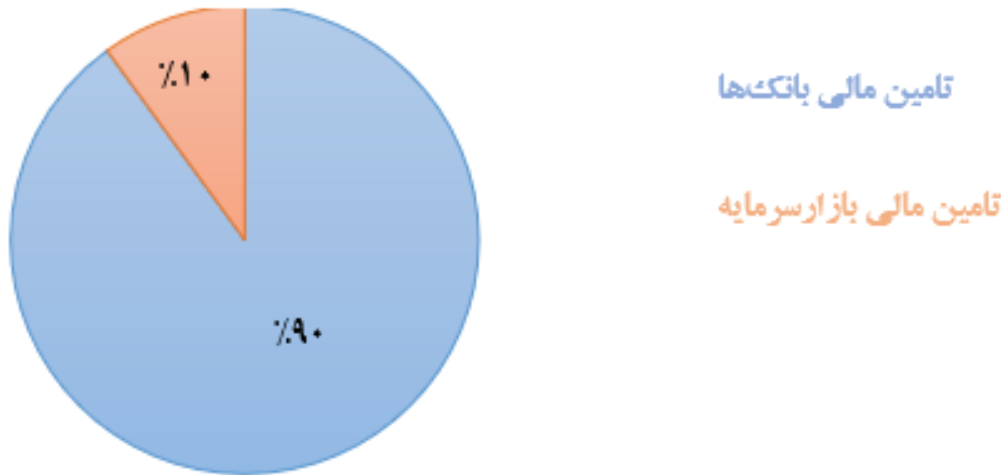


نمودار ۳: نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات پرداختی برخی از بانک‌های کشور (درصد)

مأخذ: کدال

رشد مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی، همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی آن اخلال در واسطه‌گری بانک‌هاست. این مسئله باعث می‌شود بخشی از منابع بانک‌ها در بلندمدت از چرخه مالی خارج شده و بخش دیگری نیز به‌عنوان ذخیره مطالبات غیرجاری برای پوشش زیان احتمالی ناشی از عدم بازگشت تسهیلات در نظر گرفته شود. همچنین، مطالبات سوخت شده، اثرات مخربی بر صورت‌های سود و زیان بانک‌ها داشته و به دلیل شناسایی زیان‌های سنگین، بخش زیادی از این مطالبات همچنان به‌صورت غیررسمی در طبقه‌بندی مطالبات

غیرجاری باقی می‌مانند. این وضعیت ریسک ورشکستگی بانک‌ها را افزایش داده و لزوم ادغام و ترکیب بانک‌ها در شرایطی که قوانین و دستورالعمل‌های مناسبی برای مدیریت این وضعیت وجود ندارد، پررنگ‌تر می‌شود. در نتیجه، رشد مطالبات غیرجاری نه تنها سیستم تجهیز و تخصیص شبکه بانکی را مختل می‌کند، بلکه تأثیرات منفی بر سودآوری و کیفیت دارایی‌های بانک‌ها نیز دارد.



نمودار ۴. سهم تامین مالی بانک‌ها و بازار سرمایه در سال ۱۴۰۳

مأخذ: بانک مرکزی

طبق برنامه‌های ششم و هفتم توسعه (ماده ۳)، تأمین منابع مالی برای دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد و نحوه تأمین آن باید از طریق ترکیبی از بازار سرمایه، منابع بانکی و تأمین مالی خارجی صورت گیرد. با این حال، در حال حاضر حدود ۸۷ درصد از بار تأمین مالی کشور بر دوش شبکه بانکی است. این تمرکز بالا بر شبکه بانکی، در حالی که نهادهای مالی دیگر مانند بازار سرمایه و تأمین مالی خارجی نقش کمتری در این فرآیند ایفا می‌کنند، منجر به افزایش فشار بر بانک‌ها شده و موجب می‌شود که بانک‌ها با حجم بالایی از مطالبات غیرجاری مواجه شوند. تسهیلات و تأمین مالی اعطایی توسط بانک‌ها به دلیل عدم بازگشت کافی، منابع آن‌ها را محدود کرده و ریسک‌های اعتباری را افزایش می‌دهد. در نتیجه، ضعف نهادهای مالی در کشور و عدم تنوع در منابع تأمین مالی، سیستم بانکی را به محوری‌ترین بخش اقتصاد ایران تبدیل کرده و چالش‌های مربوط به مطالبات غیرجاری را تشدید می‌کند.

زیان انباشته شده بانک‌ها

زیان انباشته بانک‌ها به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در عدم گرایش آن‌ها به بخش‌های مولد اقتصادی شناخته می‌شود. بر اساس آخرین صورت مالی منتشر شده از ۱۹ بانک مورد بررسی در کشور، ۱۱ بانک خصوصی و دولتی با زیان انباشته مواجه هستند و ۸ بانک فاقد زیان انباشته می‌باشند. طبق اطلاعات صورت‌های مالی، مجموع زیان انباشته ۱۱، ۵۷۵ هزار میلیارد تومان است. به‌ویژه بانک خصوصی آینده با ۳۱۸ همت، بانک دولتی ملی با ۷۶ همت زیان انباشته و بانک خصوصی سرمایه با ۵۴ همت رتبه یک تا سه را در بالاترین رقم زیان انباشته به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. زیان انباشته بانک‌های دولتی و خصوصی کشور (هزار میلیارد ریال)

ردیف	نام بانک	آخرین اعلام	زیان انباشته	نسبت زیان انباشته به سرمایه (برابر)
۱	بانک آینده	۱۴۰۲	-۳۱۸۰	۱۹۸
۲	بانک ملی	۱۴۰۲	-۷۶۱	۰.۷
۳	بانک سرمایه	۱۴۰۲	-۵۴۹	۱۳۷
۴	بانک ایران‌زمین	۱۴۰۲	-۵۲۱	۱۱۹
۵	بانک دی	۱۴۰۲	-۲۶۵	۱.۲۷
۶	بانک شهر	۱۴۰۲	-۱۹۵	۱۳
۷	بانک کشاورزی	۱۴۰۲	-۱۶۶	۰.۴
۸	مؤسسه ملل	۱۴۰۲	-۱۱۴	۱۱.۴۷
۹	بانک مسکن	۱۴۰۲	-۵۲	۰.۱
۱۰	بانک پارسیان	۱۴۰۲	-۴۴	۰.۲
۱۱	بانک توسعه صادرات	۱۴۰۲	-۱	۰.۰۱
	مجموع زیان انباشته		۵۷۵۹	

مأخذ: کدال

در بین بانک‌های با زیان انباشته، شش بانک خصوصی شامل بانک‌های آینده، سرمایه، شهر، ایران‌زمین، پارسیان، و دی نیز قرار دارند. بخشی از زیان انباشته بانک‌های خصوصی به دلیل مطالبات معوق ابر بدهکاران بزرگی است که در سال‌های اخیر از این بانک‌ها تسهیلات کلان گرفته و موفق به بازگرداندن آن نشده‌اند و این بانک‌ها همچنان به دنبال دریافت مطالبات خود از این بدهکاران بخش خصوصی و عمومی هستند. این زیان انباشته که عمدتاً ناشی از مطالبات معوق ابر بدهکاران و عدم بازگشت تسهیلات کلان به بانک‌هاست، فشار زیادی بر روی این مؤسسات مالی ایجاد کرده و آن‌ها را به سمت فعالیت‌های زودبازده و انباشت دارایی‌های غیرمولد سوق می‌دهد. در واقع، این وضعیت نه تنها توانایی بانک‌ها را در تأمین مالی پایدار بخش‌های مولد کاهش می‌دهد، بلکه به مشکلات ساختاری در نظام بانکی نیز دامن می‌زند. زیان انباشته به معنای عدم توانایی بانک‌ها در بازپرداخت بدهی‌ها و تأمین مالی پروژه‌های جدید است. این امر باعث می‌شود که بانک‌ها به جای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و عمرانی، به فعالیت‌های کم‌ریسک و زودبازده روی آورند که در کوتاه‌مدت سودآوری بیشتری دارند، اما در بلندمدت به رشد پایدار اقتصادی آسیب می‌زنند. همچنین ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که زیان انباشته بانک آینده ۱۹۸ برابر سرمایه این بانک، زیان انباشته بانک سرمایه ۱۳۷ برابر سرمایه و زیان انباشته بانک ایران‌زمین ۱۱۹ برابر سرمایه ثبت شده است. براساس ماده ۱۴۱ قانون تجارت، در صورتی که زیان انباشته یک شرکت به ۵۰ درصد سرمایه پایه آن برسد، هیات‌مدیره یا باید سرمایه شرکت را افزایش دهد یا اعلام ورشکستگی و انحلال کند. در قوانین پولی و بانکی کشور ماده یا بندی مربوط به سازوکار ورشکستگی وجود ندارد و به همین دلیل قوانین عام شرکت‌ها برای بانک‌ها نیز جاری است.

بررسی صورت‌های مالی بانک‌های کشور نشان می‌دهد بین ۱۹ بانک بررسی‌شده طی پایان سال ۱۴۰۲، ۸ بانک دارای سود انباشته هستند. بانک ملت با سود انباشته ۶۵ همت، بانک رفاه با ۱۹ همت و بانک تجارت با ۲۳ همت رتبه یک تا سه را به خود اختصاص داده‌اند.

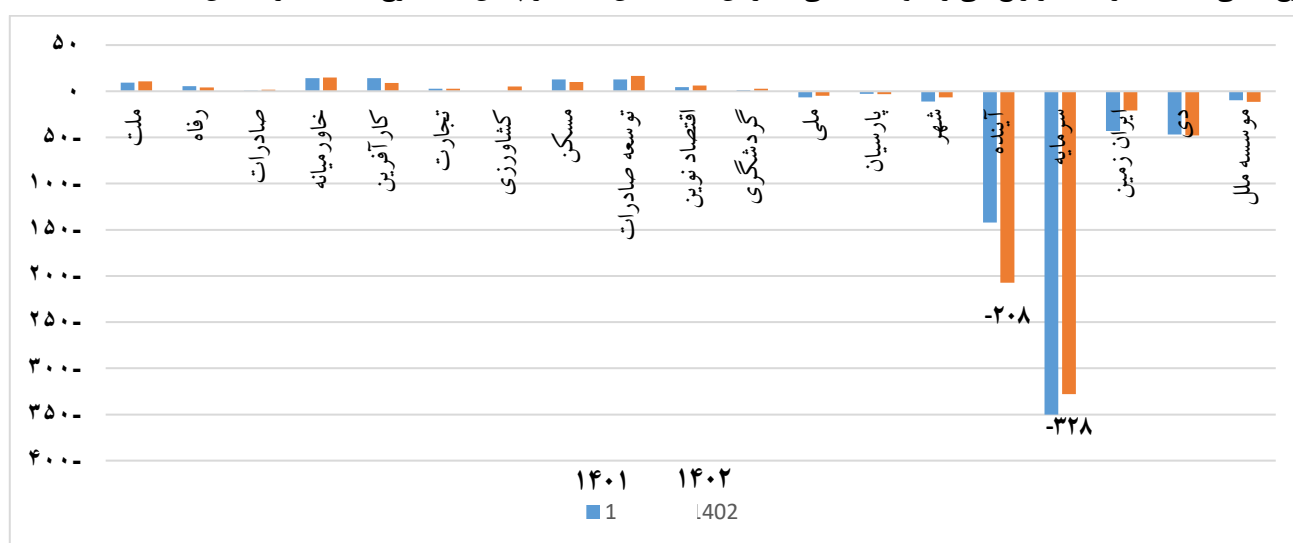
جدول ۳. سود انباشته بانک‌های دولتی و خصوصی (هزار میلیارد ریال)

ردیف	نام بانک	آخرین اعلام	سود انباشته
۱	بانک ملت	۱۴۰۲	۶۵۷
۲	بانک رفاه	۱۴۰۲	۱۹۳
۳	بانک تجارت	۱۴۰۲	۲۳۴
۴	بانک کارآفرین	۱۴۰۲	۱۱
۵	بانک صادرات	۱۴۰۲	۲۶
۶	بانک خاورمیانه	۱۴۰۲	۵۲
۷	بانک گردشگری	۱۴۰۲	۲۵
۸	اقتصاد نوین	۱۴۰۲	۵۵
	جمع کل	۱۲۵۳	

مأخذ: کدال

نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها

نسبت کفایت سرمایه، از کلیدی‌ترین شاخص‌ها در تحلیل وضعیت بانک‌ها به شمار می‌رود که باتوجه به آن می‌توان متوجه شد که دارایی‌های بانک تا چه حد در سبد مناسبی سرمایه‌گذاری شده‌اند و از لحاظ ریسک و به‌کارگیری سرمایه در دارایی‌های مختلف از چه وضعیتی برخوردار هستند. در واقع نسبت کفایت سرمایه یکی از معیارهای کمی برای ارزیابی وضعیت بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری به شمار می‌رود. این نسبت که بر حسب درصد بیان می‌شود و از تقسیم سرمایه نظارتی بانک‌ها بر دارایی‌های موزون به ریسک به دست می‌آید. نسبت کفایت سرمایه در بال ۳ به بین ۸ تا ۱۲ درصد است. بر اساس قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی، حداقل نسبت کفایت سرمایه مطلوب برای بانک‌های ایرانی معادل ۸ درصد است. همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، تقریباً کل بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که متحمل زیان انباشته هستند، از نرخ منفی کفایت سرمایه نیز رنج می‌برند و بانک‌هایی که زیان انباشته آن‌ها بسیار پایین است نرخ کفایت سرمایه آن‌ها مثبت است.



نمودار ۵. نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری - درصد

مأخذ: کدال

بررسی انجام شده بر روی ۱۹ بانک نشان می‌دهد که ۸ بانک دارای نرخ کفایت سرمایه منفی است. این نیز نشان از ناپایداری مالی و ریسک‌های بزرگ پیش‌رو دارد. این وضعیت زنگ خطر جدی را برای بانک‌ها و نهادهای نظارتی به صدا درآورده است. بانک‌هایی که دارای شاخص منفی هستند، نه تنها توانایی پوشش ریسک‌های خود را ندارند، بلکه در صورت بروز بحران‌های اقتصادی یا شوک‌های مالی، قادر به حفاظت از سرمایه سپرده‌گذاران نخواهند بود. یکی از بدترین شرایط مربوط به **بانک سرمایه** است، که شاخص کفایت آن به طرز تکان‌دهنده‌ای ۳۲۸ درصد منفی است. این رقم به معنای آن است که این بانک نه تنها هیچ‌گونه پشتوانه سرمایه‌ای برای مقابله با ریسک‌ها ندارد، بلکه به شدت زیر بار بدهی‌ها قرار گرفته و در شرایط فعلی عملاً هیچ فضای مانوری برای مدیریت بحران‌های آتی ندارد. وضعیت این بانک یک فاجعه بالقوه شباهت دارد که نیاز به مداخله فوری و اصلاحات ساختاری جدی دارد. پس از بانک سرمایه، **بانک آینده** نیز با ضریب کفایت سرمایه منفی ۲۰۷.۵ درصد در وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای قرار دارد. اختلاف زیاد این شاخص با معیارهای استاندارد نشان‌دهنده ضعف‌های عمده در مدیریت مالی و نظارت بر فعالیت‌های این بانک است. این موضوع به ویژه زمانی چالش‌برانگیزتر می‌شود که بدانیم چنین بانک‌هایی، نه تنها از استانداردهای نظارتی فاصله گرفته‌اند، بلکه در موقعیتی هستند که حتی در صورت اصلاحات سریع نیز به زمان زیادی برای بازسازی اعتماد عمومی و ساختارهای مالی خود نیاز خواهند داشت. این معضل به این بانک محدود نمی‌شود سایر بانک‌هایی که شاخص کفایت سرمایه آن‌ها نیز منفی است، با شدت و ضعف مشابهی با این بحران دست و پنجه نرم می‌کنند. چنین وضعیتی نه تنها پایداری نظام بانکی کشور را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به بانک‌ها، اختلال در نظام پرداخت و حتی ایجاد بحران‌های اقتصادی بزرگ‌تر منجر شود، نیاز به اصلاحات فوری، تقویت نظارت‌های مالی و بهبود مدیریت ریسک در این بانک‌ها بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

در نظام بانکی ایران، ضعف نظارتی و عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی، موجب شده تا بانک‌ها از نقش اصلی خود در تأمین مالی پایدار بخش‌های تولیدی فاصله بگیرند و به جای تقویت تأمین مالی بخش‌های مولد و تولیدی نظیر صنعت، معدن و کشاورزی، به سمت تسهیلات‌دهی به بخش‌های زودبازده و پرسود غیرمولد (خدمات و بازرگانی) هدایت شوند. با وجود اینکه بانک‌ها از ارائه تسهیلات به بخش مسکن کوتاهی کرده‌اند؛ اما خود این بانک‌ها حضور گسترده‌ای در بازار ساختمان و مستغلات داشته‌اند، مقدار سایر دارایی‌ها که همان مستغلات است در ۱۹ بانک (شهر، آینده، ملی، پارسیان، تجارت، توسعه صادرات، خاورمیانه، رفاه، سرمایه، صادرات، کارآفرین، گردشگری، ایران‌زمین، دی، کشاورزی، مسکن، ملت، ملل و اقتصاد نوین) مورد بررسی قرار گرفته است و نشان می‌دهد مورد ذکر شده به طور مدام از سال ۱۴۰۰ با شیب تند در حال افزایش است. در قانون عملیات بانکی بدون ربا (ماده ۸)، به بانک‌ها این اختیار قانونی را می‌دهد که مستقیماً در پروژه‌های تولیدی و عمرانی سرمایه‌گذاری کنند. این ماده به منظور تقویت نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی و توسعه تولیدی طراحی شده است. با این حال، اجرای این قانون در عمل و در طی چهار دهه گذشته، نشان از پیامدهای نامطلوبی دارد؛ این نیز در بخش انباشت دارایی‌ها و بنگاه‌داری بانک‌ها مشهود است. بانک‌ها با استفاده از این اختیار قانونی، به جای تمرکز بر تأمین مالی بخش تولید و حمایت از کسب و کارها و صنایع مولد به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد و حتی املاک و مستغلات حرکت کرده‌اند. این رفتار به انجماد دارایی‌ها منجر شده است، به طوری که سایر دارایی‌ها در بسیاری از بانک‌ها با سرعت فزاینده‌ای رشد کرده‌اند. بر اساس بررسی‌های انجام شده، انجماد دارایی‌ها در بانک‌های آینده، دی، ایران‌زمین و سرمایه بسیار بالا است و به ترتیب در بانک‌های مزبور حداقل ۷۷ درصد، ۷۵ درصد، ۷۴ درصد و ۶۴ درصد از دارایی‌های تعدیل‌شده (کل دارایی‌ها به جز سپرده قانونی و دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود) یخ‌زده و راکد هستند.

طبق برنامه‌های ششم و هفتم توسعه (ماده ۳)، تأمین منابع مالی برای دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد و نحوه تأمین آن باید از طریق ترکیبی از بازار سرمایه، منابع بانکی و تأمین مالی خارجی صورت گیرد. با این حال، در حال حاضر حدود ۸۷ درصد از بار تأمین مالی کشور بر دوش شبکه بانکی است. این تمرکز بالا بر شبکه بانکی، در حالی که نهادهای مالی دیگر مانند بازار سرمایه و تأمین مالی خارجی نقش کمتری

در این فرآیند ایفا می‌کنند، منجر به افزایش فشار بر بانک‌ها شده و موجب شده است که بانک‌ها با حجم بالایی از مطالبات غیرجاری مواجه شوند. آمارهای استخراج شده از سایت کدال بیانگر این موضوع است که بانک آینده با ۸۰ درصد مطالبات غیرجاری در مقایسه با سایر بانک‌ها بیشترین مطالبات غیرجاری را دارد. بعد از بانک آینده، بانک‌های ایران زمین و سرمایه نیز اوضاع اسفباری در این حوزه دارند، به طوری که بانک ایران زمین نزدیک به ۶۵ درصد تسهیلات پرداختی آن مطالبات غیرجاری هستند و بانک پارسین نیز ۵۱ درصد تسهیلات پرداختی آن را مطالبات غیرجاری تشکیل می‌دهند. تسهیلات و تأمین مالی اعطایی توسط بانک‌ها به دلیل عدم بازگشت کافی، منابع آن‌ها را محدود کرده و ریسک‌های اعتباری را افزایش می‌دهد. در نتیجه، ضعف نهادهای مالی در کشور و عدم تنوع در منابع تأمین مالی، سیستم بانکی را به محوری‌ترین بخش اقتصاد ایران تبدیل کرده و چالش‌های مربوط به مطالبات غیرجاری را تشدید کرده است و در نهایت باعث شده است زیان انباشته و نرخ کفایت سرمایه بانک‌ها در شرایط نامناسبی قرار گیرد. بطوریکه زیان انباشته در بسیاری از بانک‌های خصوصی، به‌ویژه بانک‌هایی نظیر آینده، سرمایه و ایران زمین، با ارقام بسیار بالا و بیش از صدبرابر سرمایه پایه، تهدید جدی برای پایداری این بانک‌هاست. این زیان‌های انباشته ناشی از مطالبات معوق از ابردهکاران است که بانک‌ها همچنان در تلاش برای دریافت آن هستند. با توجه به ماده ۱۴۱ قانون تجارت که بر انحلال یا افزایش سرمایه در صورت زیان انباشته بیش از ۵۰ درصد سرمایه پایه تأکید دارد، ضرورت تجدید نظر در قوانین ورشکستگی بانک‌ها و سازوکارهای حمایتی، بیش از پیش آشکار می‌شود.

توصیه سیاستی

پژوهش حاضر به شکل منسجم و منطقی به سه بعد کلیدی در مدیریت منابع بانکی و توسعه اقتصادی کشور اشاره دارد، در این رویکرد، ضرورت تصویب برنامه سرمایه‌گذاری در لایحه بودجه سالانه توسط مجلس، اصلاح قوانین بانکی و ایجاد سازوکارهای مشخص برای ورشکستگی بانک‌ها و همچنین تقویت سیستم هدایت اعتبار، دو اهرم حیاتی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار اقتصادی به شمار می‌روند. این دو اقدام در راستای تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از انحراف بانک‌ها به فعالیت‌های زودبازده، به‌منظور ایجاد ارزش پایدار و بلندمدت برای اقتصاد کشور، مطرح شده‌اند.

- از یک سو، تصویب برنامه سرمایه‌گذاری در لایحه بودجه سالانه، می‌تواند منابع مالی را به سمت پروژه‌های تولیدی و عمرانی هدایت کند و نقش مجلس به‌عنوان نهاد نظارتی در تضمین شفافیت و هدایت صحیح منابع به پروژه‌های زیربنایی و استراتژیک را تقویت کند. این فرآیند می‌تواند به کاهش ریسک و تمرکز بیشتر بانک‌ها بر توسعه زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی منجر شود. همچنین، با اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری پایدار، بانک‌ها به سمت پشتیبانی از پروژه‌های بلندمدت با بازدهی بالا و کمتر در معرض ریسک‌های فوری و ناپایدار هدایت می‌شوند. به‌این ترتیب، از تمرکز بر فعالیت‌های زودبازده و پرریسک که عموماً به بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شوند، جلوگیری می‌شود و ثبات در نظام بانکی و اقتصادی ایجاد خواهد شد.

- در همین راستا، اصلاح قوانین بانکی و ایجاد سازوکارهای مشخص برای ورشکستگی بانک‌ها به‌عنوان گام دوم این رویکرد اهمیت زیادی دارد. ورشکستگی و بازسازی بانک‌ها، باید در قالب چارچوب‌های قانونی شفاف صورت گیرد. قوانین جدید و اقدامات نظارتی، می‌تواند فشار وارده بر بانک‌ها را کاهش دهد و محیطی امن‌تر برای فعالیت‌های بانکی فراهم آورد که از تأثیرگذاری نامطلوب بر سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران جلوگیری می‌کند و هم‌زمان شفافیت و اعتماد در سیستم بانکی را افزایش می‌دهد.

- از سوی دیگر، هدایت اصولی اعتبار، اهمیت بسیاری در نظام بانکی و اقتصادی دارد. به‌کارگیری ابزاری چون اعتبار اجتماعی به‌عنوان مکمل اعتبار مالی، یک روش نوین و کارآمد برای ارزیابی دقیق اعتبار افراد و شرکت‌ها به شمار می‌رود. این ابزار ترکیبی، از طریق جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سوابق اعتباری و رفتارهای مالی افراد و شرکت‌ها، امکان سنجش میزان اعتماد در ارائه تسهیلات را فراهم می‌کند. افراد یا شرکت‌هایی که از سابقه اعتباری مناسبی برخوردارند، می‌توانند با قرارگیری در فهرست اولویت‌بندی، در دریافت تسهیلات از رفتار ترجیحی بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، افراد یا شرکت‌های با سوابق اعتباری نامناسب از فرصت‌های مالی محروم خواهند شد و با درج

عمومی اطلاعاتشان، با محدودیت‌هایی چون عدم امکان شرکت در مناقصات دولتی یا حتی ممنوعیت مصرف کالاهای لوکس و خروج از کشور مواجه می‌شوند. این اقدامات، ضمن تشویق به حفظ اعتبار اجتماعی و مالی، به کاهش ریسک اعطای تسهیلات پریسک و آسیب‌زا کمک می‌کند و محیط بانکی سالم‌تری ایجاد می‌کند.

نکته پایانی، تأثیر هدایت اعتبار به سمت بخش‌های تولیدی است که به‌رغم ایجاد نقدینگی، آثار تورمی کمی را در اقتصاد به دنبال خواهد داشت. هدایت اعتبار به تولید، رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی را افزایش می‌دهد و اگر این تقاضای پول توسط بانک مرکزی تأمین نشود، احتمال وقوع رکود اقتصادی وجود دارد. در این راستا، تمرکز بر هدایت اصولی اعتبار به‌سوی بخش‌های مولد، هم مانع از هدررفت منابع می‌شود و هم با رشد تولید ناخالص داخلی، به تقویت اقتصاد کشور کمک می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

Extended Abstract

Introduction

The banking system is one of the most influential pillars of economic stability and development, functioning both as a financial enterprise and as a social institution. At the micro level, banks operate as firms seeking profitability and financial discipline, but at the macro level, they are expected to facilitate economic growth and social welfare. When banks focus exclusively on their own profitability, they may hinder sustainable development. Conversely, if banks act only as public facilitators while disregarding financial discipline, they risk insolvency and systemic failure. Therefore, balancing the dual role of banks remains a critical challenge for policymakers and regulators (Mahikar & Jafari, 2023).

In Iran, the phenomenon of banking disequilibrium has emerged as one of the most pressing macroeconomic problems. Banking disequilibrium occurs when the liabilities of banks grow at a faster pace than their assets, leading to balance sheet inconsistencies and liquidity crises. This condition is exacerbated by the accumulation of non-performing assets and the misallocation of resources, which together create unhealthy credit cycles and systemic risks. Disequilibrium in the Iranian banking system not only undermines financial stability but also contributes to the persistence of high interest rate rigidity and inflationary pressures, thereby constraining economic growth (Chenaranai, Yavari, Heydari, & Sharifzadeh, 2023).

Ideally, the monetary sector should support and align with the requirements of the real economy, particularly by providing stable financing to productive sectors such as industry, mining, and agriculture. However, in Iran, the banking system has increasingly channeled financial flows toward speculative and short-term activities, such as services and commerce, which generate immediate returns but do not contribute to long-term productive capacity. Evidence indicates that while the share of credit allocated to real sectors has declined, loans to non-commodity sectors such as trade and services remain disproportionately high. This misalignment has widened the gap between banks and productive enterprises and has intensified structural weaknesses across the financial system (Mahikar & Jafari, 2023; Chenaranai et al., 2023).

The Iranian banking framework legally permits banks to directly invest in production and development projects, as stipulated in Article 8 of the Law on Usury-Free Banking Operations. While intended to support real sector growth, this legal provision has had unintended consequences. Over the past four decades, banks have diverted substantial resources into non-productive asset accumulation, particularly real estate, rather than financing productive businesses. This behavior has led to asset freeze, reduced liquidity for the production sector, and heightened systemic vulnerabilities (Mahikar & Jafari, 2023).

The study addresses a critical research question: *What factors within the Iranian financial system and banking structure hinder effective financing of the productive sector, and how can structural and supervisory reforms redirect resources toward real economic activities?* To answer this, the paper employs an analytical framework based on financial and economic data from 19 Iranian banks, focusing on indicators such as non-performing loans, accumulated losses, capital adequacy ratios, and the share of frozen assets. By diagnosing the underlying causes of disequilibrium, the study seeks to provide evidence-based policy recommendations for restructuring the Iranian banking sector.

Methods and Materials

The study employed a qualitative-quantitative analytical approach combining descriptive statistics, document analysis, and comparative financial evaluation. Data were collected from official reports of the Central Bank of Iran (CBI), audited financial statements of 19 banks, and disclosures from the Codal system. Key indicators analyzed included the sectoral distribution of bank credit, the ratio of non-performing loans (NPLs) to total loans, levels of accumulated losses and retained earnings, capital adequacy ratios, and the share of non-productive or frozen assets in banks' balance sheets.

The methodology followed three stages. First, the study identified trends in sectoral lending by comparing the proportion of credit allocated to agriculture, industry, housing, and services between 2021 and mid-2024. Second, it examined structural imbalances by analyzing the accumulation of non-performing assets, frozen assets, and unrealized investments across selected banks. Finally, it evaluated the impact of accumulated losses and inadequate capital adequacy on systemic stability, while comparing these figures against both domestic legal thresholds and international standards.

Findings

The results reveal a pronounced imbalance in the Iranian banking system, driven by credit misallocation, structural weaknesses, and insufficient regulatory frameworks.

Sectoral lending patterns demonstrate that banks have disproportionately allocated credit to services and commerce at the expense of productive sectors. In 2021, industry and mining accounted for 30.2% of total credit, which rose to 36.3% in 2023, yet services and commerce consistently absorbed over 48% of total bank credit. Meanwhile, agriculture's share declined to 5% by mid-2024. This imbalance highlights banks' preference for short-term profitability over supporting real production.

Asset analysis indicates that banks have increasingly invested in real estate. Data from 19 banks, including Bank Melli, Bank Mellat, and Bank Parsian, reveal that the value of "other assets" (primarily real estate) has risen sharply since 2021, signaling a shift toward asset accumulation rather than lending to productive enterprises. This trend has frozen liquidity in non-productive investments, exacerbating financial rigidity.

The prevalence of frozen and non-performing assets further underscores systemic fragility. For example, in 2023, 77% of Bank Ayandeh's adjusted assets, 75% of Bank Day's, and 74% of Bank Iran Zamin's were classified as frozen. Non-performing loans present an equally concerning picture: Bank Ayandeh reported that 80% of its loans were non-performing, followed by Bank Iran Zamin at 65% and Bank Parsian at 51%. Such high levels of NPLs severely undermine banks' lending capacity and credibility.

Accumulated losses compound these challenges. By the end of 2023, 11 out of 19 banks reported accumulated losses totaling 5,759 trillion rials. Bank Ayandeh alone recorded losses equivalent to 198 times its capital base. Similarly, Bank Sarmayeh and Bank Iran Zamin reported accumulated losses 137 and 119 times their respective capital bases. These figures place several banks in violation of Article 141 of the Commercial Code, which mandates capital increases or bankruptcy declarations when accumulated losses exceed 50% of equity. However, the absence of a bankruptcy framework for banks has prevented formal resolution.

Capital adequacy ratios further reflect systemic weaknesses. Eight banks recorded negative capital adequacy ratios, with Bank Sarmayeh at -328% and Bank Ayandeh at -207.5%, far below the Basel III minimum standard of 8-12%. Such negative ratios signal extreme vulnerability, leaving banks incapable of absorbing shocks or protecting depositors in times of crisis.

Finally, the dominance of bank financing within the Iranian economy exacerbates these vulnerabilities. Approximately 87% of national financing relies on banks, while capital markets and foreign financing play only marginal roles. This excessive dependence heightens systemic risk, as banking disequilibria directly spill over into the broader economy.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the structural deficiencies of the Iranian banking system, where institutional weaknesses and regulatory gaps have diverted banks from their fundamental mission of supporting production. Instead, banks have gravitated toward short-term gains, real estate speculation, and unproductive asset accumulation, resulting in systemic disequilibrium.

The preference for speculative and quick-return activities has marginalized productive sectors such as industry, agriculture, and housing, thereby weakening the real economy's capacity for sustainable growth. At the same time, the rise of non-performing loans and frozen assets has drained liquidity from the financial system and restricted banks' ability to extend credit. The accumulation of losses and negative capital adequacy ratios highlights not only poor financial management but also the absence of effective supervisory frameworks.

Addressing these challenges requires structural reforms along several dimensions. First, the approval of targeted investment programs within the national budget by Parliament can ensure that financial resources are directed toward strategic productive and developmental projects. Such measures would reduce banks' tendency to pursue speculative investments and restore their developmental role. Second, establishing a clear and enforceable bankruptcy mechanism for banks is essential to prevent the indefinite survival of insolvent institutions. Transparent resolution frameworks would protect depositors, improve financial discipline, and reduce systemic risk. Third, reforms to banking laws, particularly those governing direct investment and asset

management, are necessary to curtail banks' involvement in non-productive activities and strengthen accountability.

Finally, enhanced supervisory mechanisms to guide credit toward productive sectors are indispensable for improving financial sustainability. Introducing complementary tools such as social credit scoring, alongside traditional financial credit assessments, could further refine resource allocation and reduce the incidence of high-risk lending. By incentivizing responsible borrowing and discouraging speculative investments, such frameworks can help reorient the banking sector toward supporting long-term economic development.

In conclusion, the Iranian banking system faces profound challenges stemming from structural imbalances, weak supervision, and regulatory shortcomings. Without comprehensive reforms, including budgetary alignment, legal restructuring, and strengthened oversight, banks will remain trapped in cycles of disequilibrium that undermine both financial stability and economic growth. Redirecting banking resources toward productive sectors is not only a financial necessity but also a prerequisite for achieving sustainable national development.

References

- Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (n.d.). Retrieved from <https://www.cbi.ir/>
- Chenaranai, H., Yavari, K., Heydari, H., & Sharifzadeh, M. J. (2023). Analysis and evaluation of the imbalance of Iran's banking system and its effect on production using the DSGE model: Counteracting policies. *Economic Policy*, 15(30), 228–271.
- Codal. (n.d.). Retrieved from <https://www.codal.ir/>
- Mahikar, D., & Jafari, Z. (2023). An examination of the concept of bank imbalance and its causes. Seventh International Conference on Knowledge and Technology of the Third Millennium in Economics, Management, and Accounting of Iran, Tehran. Retrieved from <https://civilica.com/doc/1964176>